

\*\*\*\*\*

## نقش و کیل دادگستری در حیات اجتماعی

### Le rôle de l'avocat dans la vie sociale

\*\*\*\*\*

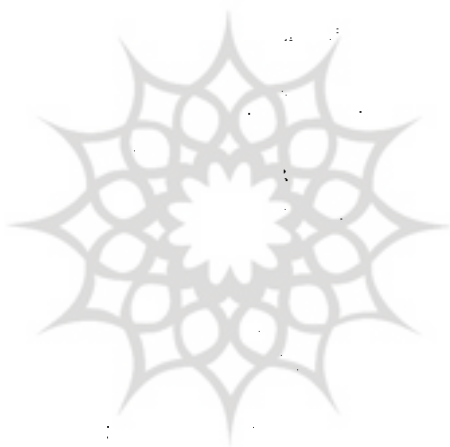
در بیست و پنجمین کنگره اتحادیه وکلاء دادگستری (UIA) که در سال ۱۹۷۳ در پایتخت کشور اسپانیا شهر مادرید تشکیل گردید موضوعات مختلفی در کنفرانسهای مربوطه مورد بحث و مذاکره قرار گرفت که اکنون خوشبختانه اغلب وکلاء دادگستری با مقالاتیکه همکاران ارجمند در این زمینه موقوم داشته‌اند نسبت بآن مسائل آشنائی کافی پیدا کرده‌اند ولی موضوعی که کمتر مورد بحث قرار گرفته ولی گمان میکنم از جهت اهمیت بایستی درصدر مطالب دیگر باشد وبنخصوص بامسائلی که ما در کشور خودمان ایران با آنها سروکار داریم ارتباط فزونتری دارد بررسی «نقش وکیل دادگستری در حیات اجتماعی» است. در جلساتیکه این موضوع مورد بحث قرار میگرفت غالباً وکلاء دادگستری که از کشورهای مختلفه جهان در این کنگره حضور یافته بودند شرکت میبستند و یقیناً میتوانم بگویم که در این کنفرانس پیش از کنفرانسهای مشابه مطالب را باعلاقه دنبال میکردند و حرارت فراوانتری نشان میدادند که شمه‌ای از این مراتب را در مقاله‌ای که در همین مورد در مجله کانون وکلاء درج گردیده است بعرض رسانده‌ام. این علاقه و اشتیاق برای هرکس که نام وکیل دادگستری داشته باشد طبیعی است چون اولین مسئله‌ای که هر وکیل دادگستری را بخود مشغول میدارد این است که در جامعه چه سمتی دارد؟ وچه موقعیتی باید داشته باشد؟ موضوع مهمی که در این کنفرانس بیشتر از مطالب دیگر جلب نظر میکرد وحدت نظر و عقیده کلیه وکلاء دادگستری حاضر در جلسه هرچند از ملل مختلف بودند در يك موضوع بنخصوص بود و آن اینکه همگی اتفاق نظر داشتند که نه تنها بایستی موقعیت و مقامی که وکلاء دادگستری اکنون در جهان دارند موضوع بحث قرار گیرد بلکه مهمتر از آن این مطلب بایستی مورد بررسی واقع شود که وکلاء دادگستری چه موقعیتی در اجتماعات انسانی باید داشته باشند و این موضوع زمانی بیشتر جلب نظر میکند که میبینیم بسیاری از وکلاء اظهار نظر کننده از وکلاء ممالکی بودند

که وکلاء آن کشورها هم اکنون واجد موقعیتهای ممتاز و برجسته میباشند - این مسئله دو حقیقت بزرگ را آشکار میدارد اول اینکه مسائل مبتلابه وکلاء دادگستری همانطور که در یک کشور از نوع و سنخ خاص است در دایره پهناور بین-المللی نیز مشابهت و یکسانی جالب توجهی دارد و از این مطلب این نتیجه بدست میآید که اگر ما بتوانیم راهحلهای مناسبی برای معضلات وکلاء دادگستری در نظر بگیریم چه بسا که این راهحلهای از نظر جوامع دیگر نیز مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته و موجبات افتخار ملی ما را بمعنای واقعی کلمه فراهم سازد دومین مطلبی که در این زمینه جلب نظر میکند این است که اصولاً وکلاء دادگستری در هر نقطه‌ای از نقاط جهان باشند یک جمع پرتحرک و با انرژی را تشکیل میدهند که هیچکدام وضع موجود خود را نمی‌پسندند و درصدد پرواز به اوجهای بالاتری هستند گویانکه همانطور که نوشته آمد اکنون وکلاء دادگستری در بیشتر کشورهای متمدن دارای موقعیتهای والا و ارجمندی میباشند حق هم این است چون وکلاء دادگستری با عالیتترین نمودار و نشانه تمدن و انسانیت یعنی قانون سروکار دارند و جالب توجه اینکه این سرو کار داشتن تنها از نظر تئوری و فلسفی نیست بلکه هم از جهت علمی و هم جنبه عملی قضیه است. کسانی که مدتی در کار وکالت دادگستری بوده‌اند این مطلب را بخوبی استنباط میکنند که قوانین بتدریج قسمتی از وجود معنوی وکیل میشوند و هر وکیل تعصب عجیب و حساسیت غیرقابل انکاری نسبت بقوانین پیدا میکند و آنچه در این احساس مقدس مکانی نمیتواند داشته باشد و یا اگر داشته باشد بایستی فرعی از آن انعکاسات تلقی شود منافع مادی و خصوصی وکیل است. این نکته مسلم است که آنچه غالباً وکلاء دادگستری بعنوان مصالح و منافع حرفه وکالت از آن صحبت میدارند و در مجامع خود از آن دفاع میکنند جز مفهوم حفظ منفعت و مصلحت اجتماع معنای دیگری نمیتواند داشته باشد و بدون اندکی تردید میتوان گفت آرزوی هر وکیل دادگستری زندگی در اجتماع سالم باقوانینی صریح و روشن و سازنده است و مسلم است که در اینگونه جوامع است که ارج و اعتبار وکلاء دادگستری آنگونه که باید و شاید شناخته میگردد.

این مطلب گفتنی است که پاره‌ای از مردم که خارج از این ورطه و فارغ از این ماجرا هستند گمان میکنند که وکلاء دادگستری مایلند حل و فصل دعاوی بین مردم در دادگستری بطول بیانجامد و حتی بعضی پا را از اینهم فراتر نهاده و اظهار عقیده میکنند که وکلاء دادگستری باعث کندی کار دادرسی میشوند و حال آنکه همانطور که همکار عزیزمان آقای درخشانی در شماره ۱۲۶ مجله کانون مرقوم داشته‌اند اساساً نمیتوان گناه سستی و کندی کار دادگستری را بمعده شخص یا اشخاصی گذارد این سیستم نارسا و ناقص دادرسی است که ستمکار زاجری و ستمکش را مأیوس میکند والا هیچیک از افراد اعم از قاضی یا وکیل در این زمینه گناهی ندارند اما مردمیکه از ذرک حلال واقعی مسائل ناتوان هستند و چون خواه و ناخواه تحقیق در مورد عوامل اساسی و اصلی قضایا کار سهل و آسانی نیست ساده‌ترین طرق را در نظر میگیرند

و بار مسئولیت را بگردن کسانی میگذارند که حتی در يك بررسی سطحی هم میتوان  
یقین کرد که حربه آنان جز قلم و گفتارشان چیز دیگری نیست و چون وسیله کار  
آنان جز مواد قانونی چیز دیگری نمیتواند باشد اگر احياناً از اصول انحرافاتی  
صورت بگیرد موجب آن نقص قوانین است که آنگونه که باید و شاید در هنگام وضع  
مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته‌اند.

مسلم است که بیان نقش وکیل دادگستری در اجتماع مستلزم بررسی همه‌جانبه  
و دقیقی است که این مختصر هرگز نمیتواند جوابگوی اندکی از بسیار آن باشد و  
جهت خودداری از اطاله مطلب فعلاً بهمین حد قناعت گردید.



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی